

تاکتیک، حکمت های نهفته در یک نظرسنجی!

تقی روزبه

صفحه فیس بوک 25 بهمن اخیرا نظرسنجی بزرگی را به عمل آورده است که گزارش آن در سایت های متعلق به این جریان از جمله جرس و تحول سبزو... منعکس شده است* برطبق این گزارش نزدیک به 14000 هزار نفر در این نظرسنجی شرکت کردند که بیش از ده هزار نفر آن از داخل کشور و بقیه از خارج کشور بودند. سؤالات و پاسخ ها را می توان در گزارش زیر مشاهده کرد:

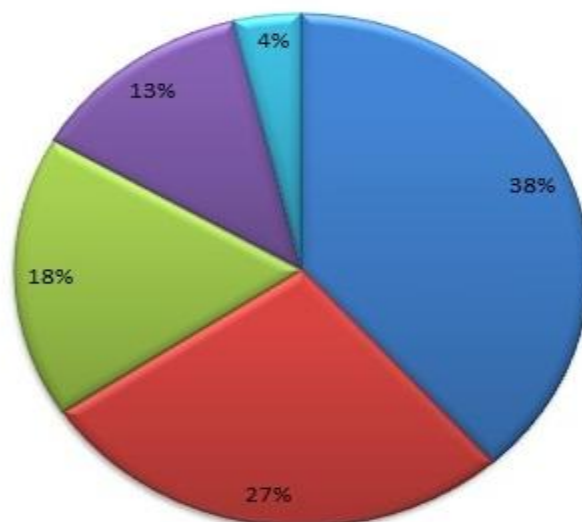
تیزی که برپیشانی این گزارش آمده عناوینی چون "تظاهرات خیابانی بهترین روش اعتراضی"، به "اعتراضات در خیابان ادامه می دهیم" و... و نظایر آنست که البته چنانکه خواهیم دید چندان انطباقی هم با نتایج گزارش ندارد. آن چه که در این جا مورد توجه این نوشته است اولاً نگاهی به نتایج برآمده از این نظرسنجی پیرامون دو سؤال عمده مربوط به انگیزه شرکت در اعتراضات و اشکال مناسب اعتراضات است و ثانیاً نقدی به شیوه نظرسنجی و نتیجه گیری از آنهاست که در تناقض با نتایج آن و به نوعی مصادره به مطلوب است.

مقدمتا باید اشاره کنم که صرف نظر از سایر اشکالات، نفس نظرسنجی توسط جریانی پیرامون سیاستهای متخذه و مورد حمایت خود که از قضا مدتهاست که مورد چالش و چون و چرا قرار دارد، نمی تواند چندان منبع مطمئن و بیطرفی برای عموم در بازتاب دادن واقعیت های اجتماعی تلقی شود. حتی اگر فرض بگیریم که این غیر بیطرف بودن هیچ شبهه ای هم در ارقام ارائه شده به وجود نیاورده باشد، باز هم نمی توان ردپای نقض بیطرفی را در نوع طرح سؤالات نادیده گرفت. به عنوان نمونه می توان به این جنبه از چگونگی طرح سؤال ها اشاره کرد که صرفاً ناظر بر انگیزه شرکت کنندگان است و طبعاً از همان اول کسانی را که مخالف رژیم هستند ولی هم چنین مخالف سیاستهای فراخوان دهندگان هستند را بیرون از این نظرسنجی قرار می دهد. و حال آنکه درست تر آن بود که در گرفتن جامعه آماری نمونه در میان مخالفان حاکمیت، میزان مخالفین و موافقین تاکتیکهای پیشنهادی هم روشن می شد تا کمابیش قابل تعمیم به جامعه واقعی می شد و درکی بالنسبه واقع بینانه از فضای عمومی و روحیات و واکنش های مردم در برابر این تظاهرات ارائه می کرد. اگر از این نوع اشکالات هم بگذریم، به معضل چگونگی سؤالات مطرح شده می رسیم:

در سؤال مربوط به انگیزه شرکت کنندگان در تظاهرات تنها می توان دو سؤال و دو گزینه روشن و شفاف را یافت که ناظر به سرنوشتی نظام سیاسی فعلی و یا ایجاد زمینه برای اصلاح تدریجی نظام سیاسی در چهارچوب قوانین فعلی است. پاسخ مثبت به گزینه نخست چنانکه در نمودار زیر دیده می شود شامل 38% از پرسش شوندهگان است و حال آن که پاسخ مثبت به سؤال دوم شامل 4% است :

Total

- سرنگونی نظام سیاسی فعلی
 - پیگیری اهدافی که در منشور جنبش سبز طرح شده است
 - ایجاد زمینه برای اصلاح تدریجی نظام سیاسی در چارچوب قوانین فعلی
- کراتیک مانند انتخابات آزاد، حقوق شهروندی و آزادی مطبوعات
 - گسترش آزادی های فردی، اصلاحات اجتماعی و اقتصادی

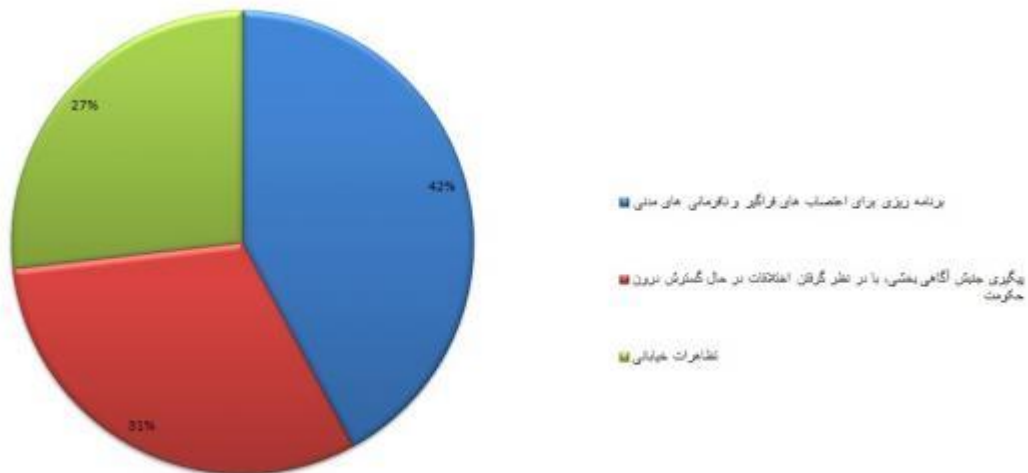


درواقع همان دوسؤال فوق برای روشن کردن روی کرد نظردهندگان نسبت به انگیزه و هدفشان از شرکت در اعتراضات کافی بود. با این وجود طراحان نظرسنجی با وقوف به رویکرد عمومی نسبت به نظام حاکم، برای کمرنگ کردن رأی قاطع سرنگونی و ادعای خویش در مورد جنبش، ترجیح داده اند که سه سؤال غیرشفاف و مبهم را نیز به سؤالات اصلی بیافزایند تا با امکان تقسیم کردن نظرات بین آنها قدرت مانور خویش را افزایش داده و بتوانند نظر موافق اکثریت پرسش شوندهگان، و بطور ضمنی اکثریت جامعه، نسبت به اصلاحات در نظام موجود را از درون سید نظر خواهی بیرون بکشند! همانطور که مشاهده می شود سؤالات انحرافی در این مورد عبارتند از: پیگیری اهدافی که در منشور سبز مطرح شده اند، پیگیری مطالبات دموکراتیک مانند انتخابات آزاد، حقوق شهروندی و آزادی مطبوعات، گسترش آزادی های فردی، اصلاحات اجتماعی و اقتصادی.

براستی فرق بین منشور سبز (آنهم به شکل سؤال مبهم و کلی پیرامون یک سند چند صفحه ای و با مواد و مضامین متعدد و گوناگون) و گزینه اصلاحات در چهارچوب قوانین موجود (یعنی همان تأکید بر قانون اساسی بی تنازل مورد نظر سند) چه فرق اساسی و مضمونی با هم دارند که طرح چنین سؤال متمایزی- آنهم در عرض دوسؤال اصلی- را اجتناب ناپذیر کرده باشد؟ یا اگر کسی هم طرفدار سرنگونی باشد و هم طرفدار انتخابات آزاد و حقوق شهروندی و آزادی مطبوعات، و این ها را مغایر هم نداند به این گزینه چه جوابی باید بدهد؟ در واقع با چنین شگردی طرح سؤال و شق مربوط به انگیزه سرنگونی عملاً در مقابل پیگیری مطالبات دموکراتیک مثل آزادی مطبوعات و با حقوق شهروندی و غیره قرار داده شده است که ذاتاً چنین تقابلی بین آنها وجود ندارد. با چنین شگردی است که نظر سنجان به خیال خود توانسته اند نظر قاطع 38% مدافع سرنگونی در برابر 4% مدافعان رفرم در چهارچوب نظام را از شفافیت انداخته و با سرریز کردن دلخواهی پاسخ های سؤالات مبهم و حاشیه ای بسود اصلاح در نظام، آن را با رقم 66% در برابر گزینه سرنگونی قرار دهند! باین ترتیب از طریق بازی با ارقام و آمار و در پوشش آن شاهد تلاشی هستیم که شعار سرنگونی اصل ولایت فقیه و نظام را در محاق برده و حامیان خود را در مقام اکثریت جامعه می نشانند. با مشاهده چنین ترفندهائی این سؤال مطرح می شود که برآستی هدف برگزارکنندگان این نظرسنجی چه بوده است؟ خدمت به نظام و سردمداران حاکم یا خاک پاشیدن به چشم مردم؟ روشن شدن حقیقت یا پوشاندن آن؟ آیا می خواسته اند نظرات مردم را مدنظر قرار دهند یا از صندوق هر آنچه را که تمایل دارند بیرون بکشند؟ هدف از قرارداد دادن مدافعان سرنگونی در اقلیت چه رابطه ای با تلاش برای هموار ساختن راه آشتی و کرنش در برابر قلد رهای حاکم دارد؟ البته چنین اقدامی جز تلاشی مذبحانه برای پوشاندن

شکاف بزرگ موجود بین واقعیت ساختارشکن جنبش با رویکردمدعیان رهبری جنبش، و باهدف ترمیم و نجات نظام دچار بحران موجودیت نیست. اگر آنها ریگی به کفش نمی داشتند، نیازی به این گونه نظرسنجی ها و تحریف نتایج آن نبود بلکه می توانستند واقعیت عیان رویکرد جامعه نسبت به نظام حاکم را با شفافیت و قاطعیت بیشتری در همان گزارش های دریافتی خود از فریادهای های شبانه مرگ بر استبداد و مرگ بر ولایت فقیه، از شعارهای دهها و صدها اعتراض خیابانی در طی این دو سال و از دهها مقاله و گزارش جوانان و دیوانو نویسی ها و دهها و صدها نشانه های صریح دیگر دریابند.

نگاهی به نتیجه گیری در مورد اشکال مبارزه
در این مورد هم شاهد گزارش زیر هستیم:



چنانکه در نمودار فوق مشاهده می شود رتبه نخست را-رنگ آبی را-مدافعان برنامه ریزی برای اعتصاب های فراگیر و نافرمانی های مدنی با 47% تشکیل می دهد و رتبه دوم را -رنگ قرمز- پیگیری جنبش آگاهی بخش با 31% و بالأخره رتبه سوم را تظاهرات خیابانی-رنگ سبز- با 27%.

با این همه در این جا نیز شاهد تحریف نتایج نظرسنجی به سود امیال سیاسی خود هستیم.

چرا که متولیان آمارگیری در این مورد هم ترجیح داده اند که با حذف نتایج گزینه اول و دوم نظرسنجی صورت توسط خود، گزینه سوم را برگزینند و با پیش فرض قراردادن تظاهرات خیابانی آن را با عناوینی هم چون "ادامه تظاهرات خیابانی بهترین روش اعتراضی" بر پیشانی سایت های خود درج نمایند. مثلا سایت جرس در این مورد چنین نگاشت:

جرس: نتایج نظرسنجی بزرگ صفحه فیس بوکی ۲۵ بهمن در مورد شیوه های اعتراضی خرداد ماه منتشر شد و مطابق آن پاسخ دهندگان، تظاهرات روزانه به صورت رالی اعتراضی را به عنوان بهترین روش ادامه اعتراضات در خرداد ماه با ۵۷٪ آرا انتخاب کردند.

اگر قرار است تاکتیک های گزین شده ربطی به نظرسنجی نداشته باشد آن گاه این پرسش مجددا مطرح می شود که فایده این نظرسنجی چیست و با چه انگیزه و هدفی صورت گرفته است؟

صرف نظر از این که انگیزه و هدف چه باشد، واقعیت شکاف موجود بین مطالبات بدنه جنبش و متولیان سبز جنبش، که مدعی بازتاب فضای و واقعیت های داخل کشور هستند، چنان برجسته است که حتی این گونه نظرسنجی های هدفمند نیز قادر به پوشاندن آن نیست.

*- گزارش کامل را می توانید در لینک زیر مشاهده کنید
<http://www.rahesabz.net/story/38309/>